



طرح تحول اقتصادی؛ رهیافتی جهت برون رفت ایران از مشکلات اقتصادی

صادق خلیلیان^{۱*}، سیدحبیب الله موسوی^۱، حامد نجفی علمدارلو^۱، محمدحسن وکیل پور^۱، فاطمه کرمی^۱

۱- گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

تحقق اهداف انقلاب اسلامی در حوزه عدالت اجتماعی، کارآمدی اقتصادی و مردم‌محوری، بیش از هر چیز به کیفیت حکمرانی و نحوه سیاست‌گذاری اقتصادی وابسته است. تجربه دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که با وجود تصریح این اهداف در قانون اساسی و اسناد بالادستی، تأخیر در اجرای اصلاحات ساختاری و اتکای بیش از حد به سیاست‌های کوتاه‌مدت، موجب انباشت ناترازی‌های کلان و افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور شده است. این پژوهش با رویکردی تحلیلی، ضمن بررسی وضعیت موجود حکمرانی اقتصادی، به مرور تجربه دولت‌ها در حوزه‌هایی نظیر سیاست‌های پارانه‌ای، انرژی و ارز می‌پردازد و پیامدهای تعویق یا اجرای اصلاحات اقتصادی را تبیین می‌کند. نتایج این تجارب نشان می‌دهد که اجرای اصلاحات بدون اجماع نهادی، آماده‌سازی اجتماعی و هماهنگی سیاستی، نه تنها به بهبود پایدار معیشت منجر نمی‌شود، بلکه هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی به همراه دارد. برآیند این بررسی‌ها نشان می‌دهد که عبور از وضعیت موجود مستلزم تغییر در روش حکمرانی اقتصادی، حرکت از تصمیمات مقطعی به اصلاحات نهادی و طراحی نقشه راهی مرحله‌بندی‌شده برای اصلاحات اقتصادی و اداری است. اصلاحاتی که هرچند در کوتاه‌مدت می‌توانند با هزینه‌هایی همراه باشند، اما در بلندمدت ظرفیت ایجاد ثبات اقتصادی، بهبود معیشت مردم و نزدیک‌تر شدن عملکرد حکمرانی به اهداف انقلاب اسلامی را فراهم می‌کنند.

اطلاعات مقاله

واژگان کلیدی:

حکمرانی اقتصادی، ناترازی‌های ساختاری، هدفمندی یارانه‌ها، اصلاحات ارزی، عدالت اجتماعی



صادق خلیلیان (نویسنده مسئول)

پست الکترونیک: khalil_s@modares.ac.ir

تداوم و تعمیق این دستاوردها، همواره با چالش‌های ساختاری در حوزه سیاست‌گذاری و نحوه اداره کشور همراه بوده است. تجربه سال‌های پس از جنگ تحمیلی نشان می‌دهد که اگرچه در مقاطعی، اقتصاد کشور مسیر رشد و بهبود را طی کرده، اما در دهه اخیر، مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی موجب بروز ناترازی‌های گسترده اقتصادی، تورم مزمن، رشد اقتصادی پایین، تضعیف معیشت طبقات متوسط و کم‌درآمد و کاهش سرمایه‌های اجتماعی شده است. تحریم‌های فزاینده خارجی نقش مهمی در تشدید این مشکلات داشته‌اند، اما واقعیت آن است که بخش قابل توجهی از چالش‌های موجود، ریشه در

۱- مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با هدف تحقق استقلال، عدالت اجتماعی، عزت ملی و مردم‌محوری در حکمرانی به پیروزی رسید و این اهداف در قالب نظام جمهوری اسلامی و اصول متعدد قانون اساسی نهادینه شد. در طول نزدیک به پنج دهه گذشته، کشور در حوزه‌های مختلفی همچون توسعه زیرساخت‌ها، صنعت، کشاورزی، فناوری‌های پیشرفته، توان دفاعی و رفاه اجتماعی پیشرفت‌های قابل توجهی را تجربه کرده و به یکی از بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. با این حال،

موجود نخواهد داشت، اما با تصمیم‌گیری شجاعانه و اجرای اصلاحات تدریجی و هدفمند، می‌توان تهدیدهای فعلی را به فرصت‌های پایدار برای توسعه کشور تبدیل کرد.

۲- حکمرانی اقتصادی در وضعیت موجود

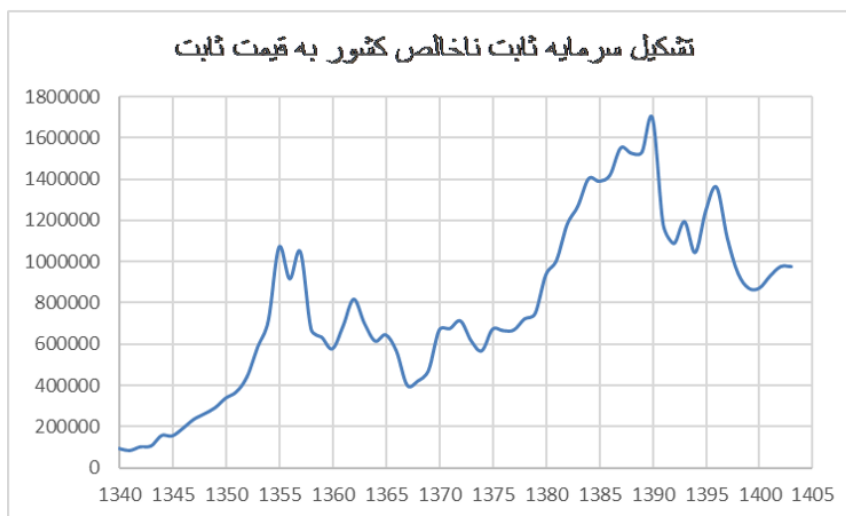
انقلاب اسلامی نتیجه یکصد سال مبارزه مردم ایران با استعمار و استبداد است که در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و به نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی خاتمه داد و عزت ملی و سیاسی ایران را که در اواخر سلسله قاجار و در دوره پهلوی (به دلیل ضعف و استعمار زدگی) خدشه دار شده بود به کشور بازگرداند. اهداف انقلاب اسلامی مردم ایران در قالب نظام حکمرانی جمهوری اسلامی و اصول متعدد قانون اساسی کشور تبلور یافته است. جمهوری اسلامی ایران در طی نزدیک به ۵ دهه، پیشرفت‌های بزرگی در توسعه زیرساخت‌های کشور، صنعت، کشاورزی، نظامی، رفاه اجتماعی، فناوری‌های بیو و نانو و هوا فضا داشته که همچنان هم تداوم دارد و کشور ایران به یک قدرت بزرگ و تاثیرگذار در منطقه و جهان تبدیل شده است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، طی دو سال اول، اقتصاد ایران تحت تاثیر تغییر نظام سیاسی و ایجاد ناآرامی در مناطق مختلف کشور توسط گروهک‌های مخالف و تحرکات ضد انقلاب قرار داشت. در سال ۱۳۵۹ نیز کشور ایران به مدت هشت سال درگیر تهاجم صدام حسین با حمایت

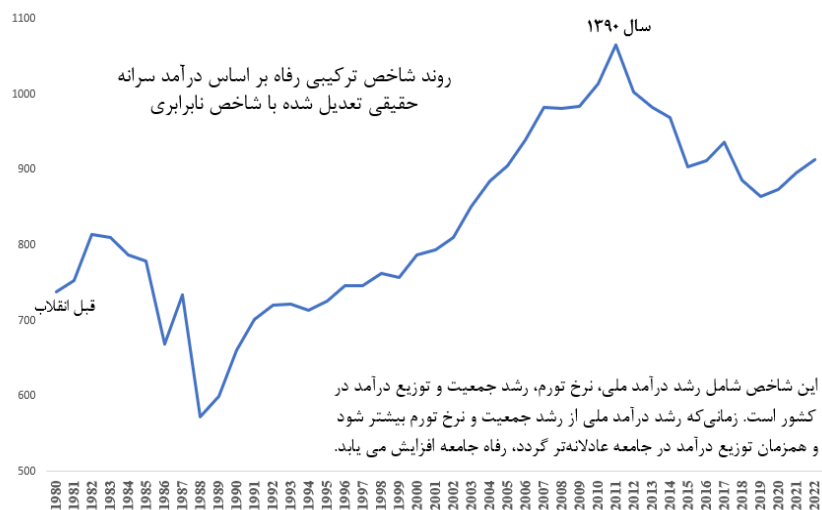
ضعف تصمیم‌گیری‌های راهبردی، تعلل در اجرای اصلاحات ساختاری و تداوم سیاست‌های ناکارآمد در نظام اقتصادی، اداری و بودجه‌ای کشور دارد.

در چنین شرایطی، بازگشت به اهداف اولیه انقلاب اسلامی صرفاً با تأکید بر آرمان‌ها ممکن نیست، بلکه نیازمند بازنگری جدی در روش حکمرانی، سیاست‌های اقتصادی و سازوکارهای اجرایی کشور است. پرسش محوری امروز این نیست که اهداف انقلاب چه بوده است، بلکه این است که چرا با وجود تصریح این اهداف در قانون اساسی، بخشی از آن‌ها در عمل محقق نشده و چه اصلاحاتی می‌تواند کشور را دوباره در مسیر رشد پایدار، عدالت اجتماعی و کارآمدی اقتصادی قرار دهد.

این مقاله با رویکردی ترویجی - تحلیلی، ابتدا به بررسی وضعیت موجود اقتصاد و حکمرانی کشور می‌پردازد و سپس با مرور تجارب دولت‌های مختلف در اجرای سیاست‌های اصلاحی، به‌ویژه در حوزه یارانه‌ها، نرخ ارز و ساماندهی بازارهای اساسی، نقاط قوت و ضعف این تجارب را واکاوی می‌کند. در ادامه، با تکیه بر مبانی نظری اقتصاد کلان و واقعیت‌های اجرایی کشور، ضرورت انجام اصلاحات اقتصادی و اداری عمیق تبیین شده و مجموعه‌ای از پیشنهادها راهبردی و مرحله‌بندی‌شده برای عبور از ناترازی‌های موجود و بهبود معیشت مردم ارائه می‌شود. هدف نهایی نوشتار، نشان دادن این واقعیت است که بدون اصلاح در سیاست‌ها و شیوه اداره کشور، دستاوردهای آینده تفاوت معناداری با وضع



نگاره ۱- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور به قیمت ثابت (منبع: بانک مرکزی، ۱۴۰۴)



نگاره ۲- روند شاخص ترکیبی رفاه بر اساس درآمد سرانه حقیقی تعدیل شده با شاخص نابرابری (محاسبات پژوهش)

آمریکا در سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۴، در نهایت توافق برجام منعقد شد که به تصویب سازمان ملل نیز رسید، اما علیرغم انجام کامل تعهدات ایران، تحریم‌ها در عمل توسط دولت آمریکا کاهش نیافت. پس از آن در دولت اول ترامپ، برجام کنار گذاشته شد و دولت بایدن نیز خود را متعهد به اجرای برجام ندانست. در نتیجه، در دولت آقای روحانی، اقتصاد کشور در شرایط رکود همراه با تورم قرار گرفت. در دولت شهید رئیسی تلاش‌هایی برای احیای برجام و رفع تحریم‌ها انجام گرفت اما با شهادت و پایان دولت ایشان، نتیجه‌ای حاصل نشد. با روی کار آمدن دولت پزشکیان، ایشان عزم خود را برای رابطه با آمریکا جزم نمود و پنج دور مذاکرات فشرده با دولت ترامپ انجام داد اما در آستانه مذاکرات دور ششم، دولت آمریکا در ادامه اقدامات خصمانه خود بر علیه ملت ایران، با کمک رژیم صهیونیستی به تهاجم گسترده و بی سابقه‌ای به کشورمان دست زد. خوشبختانه با اتحاد ملت و نیروهای مسلح ایران، دشمنان پاسخ قاطع و دردناکی دریافت نمودند و بعد از دوازده روز به هدف خود که تجزیه و اضمحلال کشور ایران بود نرسیدند و ملت‌مانه درخواست آتش بس کردند. به دلیل تدابیر ضعیف دولت از یک طرف و تحریم‌ها و اقدامات خصمانه آمریکا از طرف دیگر، کشور با مشکلات اقتصادی و اجتماعی متعددی به قرار زیر مواجه است:

آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه قرار گرفت که به زیربنای تولیدی، مسکونی و اقتصادی کشور آسیب زیادی وارد شد. پس از پایان جنگ، دولت‌های مختلف برای پیشرفت همه جانبه کشور تلاش زیادی نمودند. روند مثبت رشد اقتصادی و توسعه زیرساخت‌های عمرانی کشور طی دودهه تداوم داشت به گونه‌ای که کشور در سال ۱۳۹۰ به بهترین شرایط خود در زمینه‌های عمرانی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، فناوری هسته‌ای، هوافضا و دانش بنیان دست یافت و از نظر درآمد سرانه حقیقی و توزیع عادلانه درآمدها نیز در بهترین وضعیت پس از انقلاب قرار گرفت (نگاره‌های ۱ و ۲).

کشور آمریکا پس از چند دهه تلاش ناکام بر علیه جمهوری اسلامی و در حالی که کشور ایران در آستانه رسیدن به مرحله غیرقابل مهار و غیرقابل بازگشت از نظر اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های پیشرفته بود؛ در سال ۱۳۹۱ تحریم‌های اقتصادی فلج کننده را بر علیه کشور ایران سازماندهی و اجرا نمود که تاکنون نیز ادامه دارد. هدف از این تحریم‌ها دور کردن ایران از مسیر پیشرفت، ایجاد نارضایتی عمومی و در نهایت تضعیف نظام سیاسی جمهوری اسلامی بود. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲، آقای روحانی با شعار "می‌خواهید چرخ سانتریفیوژها بچرخد باید چرخ زندگی مردم هم بچرخد" و با حمایت گسترده طیف موسوم به اصلاح طلبان روی کار آمد. پس از انجام مذاکرات مستقیم دولت روحانی با دولت آمریکا (در دوره اوباما) و متحدان اروپایی

- پایین بودن رشد اقتصادی: در طول ۳۵ سال گذشته میانگین سالانه رشد اقتصادی کشور ۳.۵ درصد بوده در حالی که نیاز کشور ۸ درصد است.

- تورم بالا، بخصوص در قیمت مایحتاج عمومی مردم که در یکسال اخیر بیش از ۶۶ درصد افزایش داشته است.

- ضعیف بودن شاخص بهره وری کل عوامل تولید و گستردگی بیش از حد نظام اداری و ناکارآمدی آن.

- وجود فاصله طبقاتی و فقر در کشور و ضعف معیشت طبقات متوسط و کم درآمد.

- کاهش سرمایه های سیاسی و اجتماعی و پایین بودن مشارکت مردم در انتخابات دو سال اخیر که برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی میزان حضور مردم در انتخابات به زیر ۵۰ درصد کاهش یافته است.

- وضعیت نامناسب فرهنگی در بخش هایی از لایه های اجتماعی.

- نداشتن یک نقشه جامع (زمان بندی و اولویت بندی شده) جهت راهبری طرح های عمرانی کشور و ناتمام ماندن صدها طرح عمرانی مهم در سطح ملی و استانی به مدت چند دهه. به طور نمونه به کریدور شمال - جنوب که نقش راهبردی در منطقه و جهان دارد می توان اشاره کرد که در دیدار اخیر یکی از مقامات کشور با مسئولین روسیه اعلام شد: «جمهوری اسلامی ایران تصمیم خود را برای عملیاتی سازی این کریدور اتخاذ کرده است».

- کسری ۲۷ درصدی تراز عملیاتی بودجه عمومی دولت، وجود ناترازی در بازار ارز و رشد ۱۰۰ درصدی قیمت دلار در یکسال اخیر، ناترازی در نظام بانکی و وجود یارانه های غیر هدفمند در حامل های انرژی، آب، نان و سایر بخش های اقتصادی کشور معادل ۱۵۰ میلیارد دلار در سال (بر اساس صحبت رئیس جمهور محترم در گزارش صد روزه اول).

- پایان یافتن دوره اجرای سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور (۱۳۸۴-۱۴۰۴) بدون تحقق بسیاری از بخش ها و اهداف آن که نشان از وجود اشکالات ساختاری در سیاست ها و نحوه اداره کشور دارد.

با توجه به اینکه اهداف انقلاب اسلامی در چارچوب نظام حکمرانی جمهوری اسلامی به نحو کامل و مطلوبی در اصول قانون اساسی کشور درج شده است و از آنجا که قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران یک قانون جامع و مترقی است، بنابراین برای پی بردن به چرایی مشکلات ذکر شده (جدای از اقدامات خصمانه آمریکا) باید ضعف را در:

الف: اجرای قانون اساسی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

ب: مدیریت برخی دولت ها، وزرا، نمایندگان مجلس، استانداران و مدیران میانی،

پ: مجمع تشخیص نظام، شورای نگهبان، قانون و نحوه انتخابات ریاست جمهوری و مجلس،

ت: سیاست ها و راهبردهایی که تا کنون داشته ایم جستجو کرد که لازمه آن انجام تغییراتی در نحوه اداره کشور در کلیه ابعاد و سطوح، راهبردهای توسعه ای و سیاست های اقتصادی و سیاسی است. باید به این نکته توجه داشت که در صورت ادامه سیاست های اقتصادی و سیاسی و نحوه اداره کشور بر روال موجود، دستاورد نظام حکمرانی کشور در آینده متفاوت و بیشتر از وضع موجود نخواهد بود. رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت می تواند به ارتقای کارآمدی نظام منجر گردد و نقاط تهدید به فرصت تبدیل گردد (جدول ۱).

جدول ۱- وضعیت فعلی اقتصاد کشور و اهداف اقتصادی مورد نیاز

عنوان	میزان تحقق یافته تاکنون	اهداف برنامه هفتم توسعه (۵ سال آینده)
نرخ سالانه رشد اقتصادی	۳/۵ درصد (میانگین سی ساله)	۸ درصد
نرخ سالانه نرخ بهره وری	۰/۴ درصد (میانگین پنجاه ساله)	۲/۸ درصد
نرخ رشد سالانه اشتغال	۱ درصد (میانگین ۷ سال گذشته)	۳/۹ درصد
توزیع درآمد (ضریب جینی)	۰/۴ واحد (میانگین ۱۰ سال گذشته)	۰/۳۴ درصد
نرخ تورم	۳۰/۳ درصد (میانگین ۱۰ سال گذشته)	۹/۵ درصد

منبع: برنامه هفتم توسعه، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۴۰۲

۳- تجربه دولت ها در سیاست گذاری و اصلاحات اقتصادی

در طول چند دهه گذشته، غیر از برخی مقاطع، ضعف در تصمیم گیری های اساسی و عدم اجرای شجاعانه سیاست های اصلاحی وجود داشته که لطمات جبران ناپذیری به اقتصاد ملی وارد آورده است و رشد و توسعه اقتصادی کشور ایران را

کند نموده است. یکی از عوامل اصلی رشد پایین اقتصاد کشور و تورم مزمن در طی چند دهه گذشته، وجود یارانه‌های غیر هدفمند معادل ۱۵۰ میلیارد دلار در سال و ناترازی‌های گسترده در بخش‌های مختلف اقتصادی است. در طول چند دهه گذشته در کشور، بجز برخی مقاطع، ضعف تصمیم‌گیری و عدم اجرای شجاعانه اصلاحات اقتصادی توسط دولت‌ها سبب گردید که "جمهوری اسلامی به کشوری با ده‌ها مشکل حل نشده تبدیل شود".

در این بخش تصمیمات و سابقه اجرای طرح‌های آزادسازی اقتصادی و هدفمند سازی یارانه‌ها در زمینه حامل‌های انرژی، نرخ ارز و کالاهای اساسی در دولت‌های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است تا با استفاده از این تجارب، پیشنهادات اجرایی برای برون رفت از مشکلات فعلی کشور ارائه گردد.

- با پایان یافتن جنگ هشت ساله، در دولت مرحوم رفسنجانی، سیاست تعدیل اقتصادی با هدف آزاد سازی نرخ ارز و حذف یارانه کالاهای اساسی اجرا شد که علی‌رغم اهداف مثبت طرح اما تورم ۴/۹۹ درصدی در سال ۱۳۷۴ و عدم پرداخت جبرانی به مردم (با وجود تعهد دولت) سبب نارضایتی عمومی در کشور گردید و این سیاست تداوم نیافت.

- در دولت آقای خاتمی رویکرد سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، بیش از آنکه بر اصلاحات راهبردی و ساختاری متمرکز باشد، معطوف به تداوم سیاست‌های موجود و مدیریت کوتاه‌مدت مسائل اقتصادی کشور شد. اگرچه در اسناد بالادستی، از جمله برنامه پنج‌ساله سوم توسعه، طرح‌هایی نظیر هدفمندسازی یارانه حامل‌های انرژی به صورت جامع پیش‌بینی شده بود، اما به دلایل مختلف، اجرای این اصلاحات اساسی به تعویق افتاد. تعلل در اجرای این سیاست‌ها موجب شد بخشی از ناترازی‌های بنیادین اقتصاد کشور در طول زمان انباشته شده و آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های داخلی و خارجی افزایش یابد.

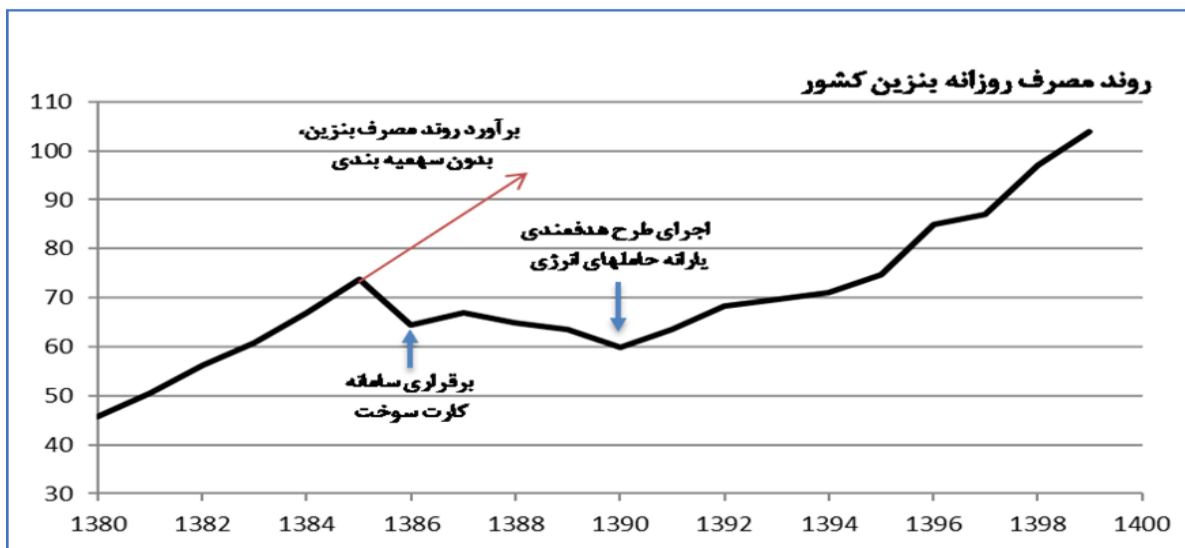
ویژگی شاخص این دوره را می‌توان فقدان اصلاحات نهادی عمیق و تداوم برخی مشکلات ساختاری دانست؛ مسائلی که در سال‌های بعد خود را در قالب چالش‌هایی نظیر نرخ بالای بیکاری، گسترش شکاف‌های درآمدی و تضعیف ظرفیت‌های رشد پایدار نشان داد. تجربه این مقطع زمانی نشان می‌دهد

که تأخیر در اجرای اصلاحات اقتصادی، حتی در شرایط ثبات نسبی، می‌تواند هزینه‌های سنگینی را به اقتصاد کشور در بلندمدت تحمیل کند.

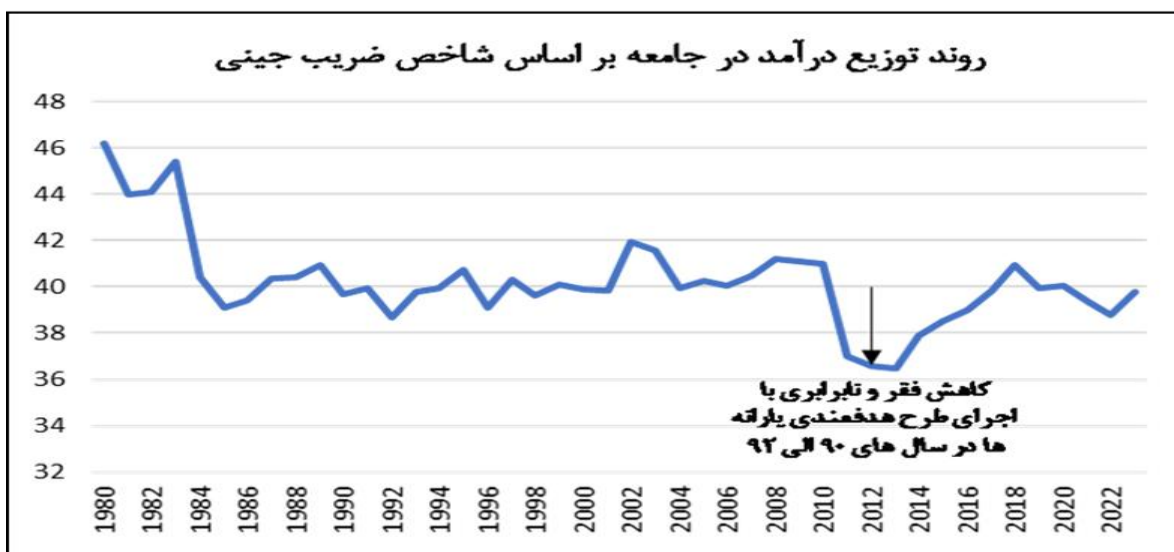
- در دولت دهم (دولت آقای احمدی نژاد)، طرح هدفمندی یارانه حامل‌های انرژی از سال ۱۳۸۹ با تصویب مجلس و اجماع عمومی در کشور اجرا گردید. مصرف روزانه بنزین که تا سال ۱۳۸۵ به ۷۳.۷ میلیون لیتر افزایش یافته بود با اجرای این طرح در سال ۱۳۹۰ به کمتر از ۶۰ میلیون لیتر در روز رسید. همچنین، در چارچوب طرح هدفمندی یارانه‌ها، قیمت نان در سال ۱۳۹۰ آزاد شد و یارانه آن به صورت نقدی به مردم پرداخت گردید که کاهش مصرف آرد و نان را بدنبال داشت. اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها با زمینه سازی مناسب اجتماعی و همراهی مردم، مجلس، رسانه‌ها و کارشناسان با موفقیت نسبی اجرا شد. پرداخت جبرانی به مردم به صورت یارانه نقدی در سال ۱۳۸۹، آثار مثبتی در شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی گذاشت. اگر این طرح اجرا نمی‌شد، با وضع تحریم‌های آمریکا در سال ۱۳۹۱ کشور دچار مشکلات زیادی در تامین بنزین، گازوئیل و واردات گندم می‌شد که می‌توانست برای امنیت ملی ایران مخاطره‌آمیز گردد (نگاره‌های ۳ و ۴).

- در سال ۱۳۹۲ در شروع به کار دولت آقای روحانی، رویکرد سیاست‌گذاری اقتصادی کشور در حوزه یارانه‌ها و معیشت با تغییراتی همراه شد. در سال ۱۳۹۲، اجرای اصلاحات ساختاری در نظام هدفمندسازی یارانه‌ها متوقف و به جای آن، سیاست‌های حمایتی کوتاه‌مدت نظیر توزیع سبد کالا با هدف بهبود معیشت خانوارها در دستور کار قرار گرفت. با این حال، این سیاست به دلیل محدودیت‌های اجرایی، نارضایتی اجتماعی و عدم تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده، در همان سال متوقف شد و نتوانست به عنوان راهکاری پایدار در نظام حمایت اجتماعی تثبیت شود.

در سال ۱۳۹۴، سیاست سهمیه‌بندی بنزین و سامانه کارت سوخت متوقف گردید که پیامد آن، افزایش روند مصرف بنزین و تشدید ناترازی در این بخش بود. با تشدید تحریم‌ها و بروز ناترازی شدید در مصرف بنزین، ضرورت بازگشت به سیاست‌های کنترلی بار دیگر مطرح شد و در سال ۱۳۹۸، سامانه کارت سوخت و سهمیه‌بندی بنزین مجدداً به اجرا



نگاره ۳- روند مصرف روزانه بنزین کشور (بانک مرکزی، ۱۴۰۴)



نگاره ۴- روند مصرف روزانه بنزین کشور (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴)

مصارف، ثبات به بازار ارز بازگردانده شود. اما به دلیل محدودیت در تأمین منابع ارزی، در همان سال دامنه این سیاست به واردات کالاهای اساسی محدود گردید. با وجود تخصیص ده‌ها میلیارد دلار ارز ترجیحی، این سیاست به اهداف خود در کنترل تورم و حفظ قدرت خرید خانوارها دست نیافت و در نهایت، اقتصاد کشور با رکود همراه با تورم حدود ۴۷ درصدی، افزایش نرخ ارز از حدود ۳ هزار تومان به بیش از ۲۸ هزار تومان و رشد قابل توجه بیکاری مواجه شد.

درآمد. اجرای این سیاست بدون بهره‌گیری کافی از تجارب پیشین و بدون فراهم‌سازی الزامات اجتماعی و کارشناسی لازم صورت گرفت که در نهایت، به بروز نارضایتی‌های اجتماعی گسترده و تحمیل هزینه‌های اجتماعی قابل توجه انجامید. در پی این پیامدها، ناگزیر به استفاده از پرداخت‌های جبرانی در قالب افزایش یارانه نقدی شد. در حوزه سیاست ارزی نیز، در ابتدای سال ۱۳۹۷، تلاش شد با تثبیت نرخ ارز در سطح ۴۲۰۰ تومان برای تمامی

این تجربه نشان داد که سیاست‌های ارزی کوتاه‌مدت و غیرمنسجم، بدون اصلاحات نهادی و هماهنگی با سایر بخش‌های اقتصاد، قادر به ایجاد ثبات پایدار نخواهند بود.

- دولت شهید رئیسی در بهار سال ۱۴۰۱، ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات را کنار گذاشت، قیمت لبنیات، روغن، مرغ، تخم مرغ و آرد صنف و صنعت را آزاد نمود. این دولت پراکندگی پرداخت‌های جبرانی به مردم را تجمیع نمود و میزان یارانه نقدی ماهانه پرداختی به هر فرد را به ۴۰۰ هزار تومان (طبقات کم درآمد) و ۳۰۰ هزار تومان (طبقات متوسط) افزایش داد. دولت ابتدا قصد داشت نرخ ارز را یکسان و در چارچوب نظام نرخ ارز شناور مدیریت نماید اما با مشاهده روند صعودی نرخ ارز در بازار آزاد و افزایش قیمت سایر کالاها، در سیاست خود تجدیدنظر نمود و ارز ترجیحی با نرخ دولتی ۲۸۵۰۰ تومان را برای واردات کالاهای اساسی اختصاص داد. دولت در تکمیل اقدامات خود، در سال ۱۴۰۲ کالابرگ الکترونیک را برای خرید ۱۱ قلم کالای خوراکی (برای ۷ دهک درآمدی متوسط و پایین جامعه) برقرار نمود تا فشار تورمی بر معیشت مردم را کاهش دهد.

در مجموع می‌توان گفت که سیاست ارزی و هدفمندی یارانه کالایی در دولت شهید رئیسی در کاهش رانت ناشی از توزیع ارز و کالا با قیمت دولتی موثر بود، اما تداوم تورم ۴۰ درصدی از یک طرف و افزایش نرخ ارز در بازار آزاد به حدود ۶۰ هزار تومان در آخر سال ۱۴۰۲ از طرف دیگر، آثار مثبت طرح را تحت‌الشعاع قرار داد. برقراری نظام توزیع کالابرگ الکترونیک در کنار پرداخت یارانه نقدی، برای تامین هدفمند اقلام خوراکی مورد نیاز خانوارها، ابتکار عمل نسبتاً موفق ارزی می‌گردد. دولت شهید رئیسی در زمینه هدفمندی یارانه حامل‌های انرژی اقدامی انجام نداد و تعیین ارز ترجیحی با نرخ ۲۸۵۰۰ برای واردات کالاهای اساسی، به دلیل تفاوت فاحش با نرخ ارز در بازار آزاد همچنان دارای رانت و تبعات منفی ناشی از آن است.

۳-۱- مطالعه موردی: تجربه ساماندهی زنجیره گندم، آرد و نان

یکی از سیاست‌هایی که در طی سه دهه گذشته در برنامه‌های مختلف توسعه بر آن تاکید شده ساماندهی زنجیره گندم، آرد

و نان است. طی سالیان طولانی، پرداخت یارانه نان، هزینه‌های بسیار سنگینی به بودجه کشور تحمیل کرده که میزان آن در مجموع نزدیک به دویست و پنجاه هزار میلیارد تومان، معادل ۵ میلیارد دلار در سال است.

دولت‌های مرحوم رفسنجانی و آقای خاتمی در زمینه ساماندهی زنجیره گندم، آرد و نان اقدام مؤثری انجام ندادند. اولین اقدام در این زمینه در سال ۱۳۹۰ در دولت آقای احمدی نژاد انجام گرفت که در چارچوب قانون هدفمندی یارانه‌ها، قیمت نان آزاد شد و یارانه آن به صورت نقدی به مردم پرداخت گردید. با اجرای این طرح مصرف نان تا حدودی متعادل شد و ضایعات نان بشدت کاهش یافت. در آن سال، بخش خصوصی در خرید تضمینی گندم و تامین آرد، حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد کل زنجیره را برعهده گرفت و هزینه‌های دولت در مراحل مختلف زنجیره گندم، آرد و نان نیز کاهش یافت. این طرح با تغییر دولت در سال ۱۳۹۲ در دولت آقای روحانی ادامه پیدا نکرد و هزینه‌های هنگفتی به کشور تحمیل نمود.

دولت شهید رئیسی از اردیبهشت ۱۴۰۱، گام اول طرح ساماندهی گندم، آرد و نان را با آزاد سازی قیمت آرد صنف و صنعت به اجرا درآورد. این اقدام سبب افزایش چند برابری قیمت ماکارونی و نان‌های حجیم و سایر محصولات این صنف شد. گام اول شروع این طرح دارای ناهماهنگی و نواقصی بود زیرا قبل از استقرار سامانه هوشمند خرید نان در نانوایی‌ها اجرا گردید که سبب انتقال بخشی از آرد نانوایی به بخش صنف و صنعت و ازدحام مردم در صف خرید نان در ماه‌های اول شروع طرح شد.

در گام بعدی، از تابستان ۱۴۰۱، سامانه هوشمند فروش نان در نانوایی‌ها مستقر شد و آرد با قیمت دولتی فقط بر اساس میزان فروش نان به نانوایی‌ها تحویل گردید. علاوه بر این، با هدف جلوگیری از افزایش قیمت نان، دولت ۴۰ درصد هزینه‌های پخت نان را نیز به نانوایی‌ها پرداخت نمود. اجرای این طرح از سال ۱۴۰۲ در همین مرحله باقی ماند و دولت شهید رئیسی بنا به ملاحظات اجتماعی و احتمال ایجاد نارضایتی، مراحل تکمیلی و اصلی طرح شامل حذف آرد یارانه‌ای، آزادسازی قیمت نان و پرداخت جبرانی معادل آن به مردم (به صورت یارانه نقدی و یا کالابرگ الکترونیک) را اجرا

نکرد. کاهش مصرف آرد در کشور و تا حدودی کاهش قاچاق آن از نتایج مثبت اجرای این طرح است اما در کیفیت نان بهبود قابل ملاحظه ای ایجاد نشد.

با تداوم وضع موجود، دولت در حال حاضر برای هر ایرانی سالانه حدود ۳ میلیون تومان یارانه آرد و نان می دهد اما مردم از قیمت و کیفیت نان رضایت ندارند. یکی از اشکالات اساسی در طول زنجیره گندم، آرد و نان عدم نظارت کافی و مؤثر دولت بر آن است و در نتیجه به دلیل گرانی علوفه دام، بخشی از نان یارانه‌ای به مصرف دامداری‌ها می‌رسد و بخشی از آرد یارانه‌ای نانوائی‌ها نیز از مسیرهای غیر قانونی به مصارف صن و صنعت منتقل می‌گردد. وضعیت فعلی یارانه آرد و نان همچنان دارای رانت و فساد است و دولت باید این یارانه را در قالب کالبرگ الکترونیک برای خرید نان به مردم منتقل نماید تا ضمن بهبود کیفیت نان، رضایت مردم نیز تامین گردد.

۴- ضرورت تغییر در روش حکمرانی و سیاست‌گذاری
با توجه به اینکه دولت آمریکا به همراه دولت های انگلستان، فرانسه و آلمان همچنان تحریم‌های اقتصادی را تداوم و شدت داده‌اند، ضروری است که با همدلی و همکاری هر سه قوه و با همراهی کلیه آحاد مردم، جناح‌های سیاسی، رسانه‌ها، متخصصین، دانشگاهیان و با بسیج کلیه توانمندی‌ها به اصلاحات اقتصادی و مقابله با اقدامات خصمانه دشمن پرداخته شود. در حال حاضر، به دلایل:

- وجود قیمت‌های پایین، یارانه‌های غیر هدفمند و مصرف زیاد و نامتوازن حامل‌های انرژی در کشور،
- تعیین قیمت دولتی و پایین‌تر از نقطه تعادل بازار در برخی از کالاها و عدم اجازه به سازوکار بازار رقابتی جهت تعادل بخشی میان عرضه و تقاضا،
- تعیین و اعمال نرخ بهره بانکی به صورت دستوری و تحمیل تکالیف سنگین توسط دولت برای نظام بانکی،
- گستردگی حجم اداری و بزرگی اندازه دولت،
- نظام مدیریت ناکارآمد ارزی و تعیین قیمت ارز دولتی بسیار پایین‌تر از نرخ بازار آزاد و توافقی،
- بودجه بندی و برنامه‌ریزی ناکارا و غیرعملیاتی،
- یارانه سنگین زنجیره گندم، آرد و نان و عدم تکمیل مراحل اصلاح این زنجیره،

- ناکارآمدی دولت و ضعیف بودن وزرای اقتصادی،
زیربنایی، تولیدی و بخش بانکی و ارزی کشور و
- بالاخره تحریم‌ها و اقدامات خصمانه آمریکا و متحدان اروپایی آن،

در مجموع سبب شده که اقتصاد ایران از شرایط تعادلی خارج شود. در این وضعیت، وجود ناترازی‌های مختلف اقتصادی، رشد و توسعه اقتصاد کشور را کند و پرهزینه نموده است. بنابراین برای پیشبرد بهتر امور اقتصاد کشور، دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد، رفع ناترازی‌های موجود در اقتصاد و بهبود معیشت مردم، کشور به تغییر سیاست‌ها و انجام اصلاحات عمیق اقتصادی و اداری نیاز دارد.

۴-۱- دلالت‌ها و مبانی نظری اصلاحات اقتصادی و اداری
الف: در سطح اقتصاد کلان، بررسی پنج بازار و معادلات و متغیرهای مربوط به آن و چگونگی رسیدن به تعادل در این بازارها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بازارها عبارتند از بازار محصول، بازار پول و تجارت خارجی (بخش خارجی اقتصاد) که در طرف تقاضای اقتصاد قرار دارند و بازار کار و بخش تولید که در طرف عرضه اقتصاد قرار می‌گیرند. در این مدل کلان پنج بخشی، پنج متغیر اصلی نیز وجود دارند که در تعادل سیستم اقتصادی، مقادیر آنها مشخص می‌گردد. این متغیرها عبارتند از مقدار تولید (درآمد ملی)، سطح قیمت‌ها (نرخ تورم)، میزان اشتغال، نرخ بهره (سود و کارمزد بانکی) و نرخ ارز. البته در چارچوب این مدل کلان پنج‌بخشی، علاوه بر اجزای اصلی، متغیرها و بازارهای مهم دیگری نیز نقش‌آفرین هستند؛ از جمله بازار سرمایه، ساختار دستمزدها و بودجه دولت.

اجرای هر سیاست و یا هر تکانه (شوک) داخلی و خارجی که به اقتصاد وارد شود، می‌تواند نظام اقتصادی را از تعادل خارج کند و شرایطی به وجود آورد که مقدار متغیرهای الگو تغییر کند و ناترازی‌ها در اقتصاد شکل گیرد.

ب: در طی چند دهه گذشته از یک‌طرف در دولت‌های مختلف، تصمیمات، سیاست‌های متنوع و تکالیف بودجه‌ای بعضاً متضاد در نظام اقتصادی کشور اجرا گردیده و از طرف دیگر در دهه اخیر تکانه ناشی از تحریم‌های آمریکا مزید بر علت شده که در مجموع اقتصاد ایران دچار مشکلات مزمن و عمیقی به قرار زیر گردد:

- کسری ۲۷ درصدی تراز عملیاتی بودجه دولت معادل ۹۰۹ همت در سال ۱۴۰۴،

- افزایش دو برابری نرخ ارز در یکسال اخیر و عبور از مرز ۱۳۰ هزار تومان در بازار آزاد،

- بیکاری بیش از ۳ میلیون نیروی کار در کشور (از جمله فارغ التحصیلان دانشگاهی)،

- راکد و نیمه فعال بودن حدود ۴۰ هزار واحد تولیدی و خدماتی،

- کمبود اعتبارات عمرانی و طولانی شدن زمان اجرای هزاران طرح عمرانی در کشور (سهام اعتبارات عمرانی از کل بودجه دولت کمتر از ۱۸ درصد است)،

پهزینه سنگین و عدم النفع به دلیل ناترازی در قیمت و مصرف حامل‌های انرژی که به همراه سایر یارانه‌های پنهان معادل ۹۰ میلیارد دلار در سال است (بر اساس گفته رئیس جمهور آقای پزشکیان).

- رکود اقتصادی پایین بودن نرخ رشد اقتصادی از ۴ درصد سال قبل به محدوده صفر در شش ماهه سالجاری.

- ناترازی در دستمزدها و در نتیجه ناترازی در درآمد و هزینه خانوارهای متوسط و کم درآمد،

- میانگین سالانه ۴۰ درصدی نرخ تورم در ده سال گذشته که در یک سال اخیر تشدید گردیده است.

- بدهی دولت به نظام بانکی معادل ۱۷۴۹ همت (هزار میلیارد تومان) در پایان سال ۱۴۰۳،

- واردات سالانه معادل ۱۵ الی ۱۷ میلیارد دلار کالاهای اساسی کشاورزی و فساد ناشی از آن،

نکته: ناکارآمدی مدیریت کلان دولت همراه با ضعف وزیران وزارتخانه‌های عمرانی، اقتصادی، رفاهی و نظام بانکی که خود به یک ناترازی مدیریتی تبدیل شده که امکان برون رفت از ناترازی‌های فوق‌الذکر را سخت نموده است.

پ: به دلیل تشدید تحریم‌های دشمن از سال ۱۳۹۱ تا کنون، محدودیت‌هایی بر صادرات نفت کشور اعمال گردید و امکان نقل و انتقالات ارز حاصل از صادرات ایران در نظام بانکی بین‌المللی به شدت محدود شد. برآیند این وضعیت باعث افزایش شدید نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) و گرانی کالاهای وارداتی (اعم از سرمایه‌ای، واسطه‌ای و نهایی) شده

است. این شرایط به نوبه خود سبب افزایش هزینه تولید، کاهش تولیدات داخلی و افزایش مستقیم و غیرمستقیم قیمت کلیه کالاها در بازار کشور شد و کشور در دهه گذشته دچار رکود تورمی گردید. از طرف دیگر کاهش ارزش پول ملی، موجب تقویت خروج قانونی و غیرقانونی محصولات از ایران به خارج از کشور شده است. وقوع این پدیده‌ها و عدم اتخاذ تدابیر لازم برای مواجهه با این وضعیت، در مجموع شرایطی را بوجود آورده که باعث افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها (نرخ تورم ۴۰ درصدی در سال‌های اخیر) گردیده و رشد اقتصادی کشور کاهش یافته است.

ت: از آنجا که حدود ۴۰ هزار واحد تولیدی و خدماتی تعطیل و یا نیمه تعطیل هستند، بیکاری در کشور افزایش یافته (بیش از ۳ میلیون نفر بیکار) و به دنبال آن، درآمد سرانه خانوارها را کاهش داده است. از طرف دیگر چون قیمت‌های داخلی افزایش شدید داشتند، عملاً قدرت خرید خانوارها در شرایط حاضر با افت شدید همراه شده است. اقتصاد ایران که در ابتدای سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۳ در وضعیت رکود از ناحیه عرضه قرار داشت، در سال‌های بعد (تا سال ۱۳۹۸) عملاً در وضعیت رکود از ناحیه تقاضا نیز قرار گرفت و این وضعیت بغرنج، عمق رکود را در اقتصاد ایران شدت بخشید. هر چند که در پنج سال اخیر (۱۳۹۹ الی ۱۴۰۳) متوسط سالانه نرخ رشد اقتصادی حدود ۴ درصد بوده که نزدیک به رشد بلندمدت (میانگین ۶۰ ساله کشور) است اما معادل نیمی از نرخ رشد ۸ درصدی مورد نیاز کشور می‌باشد. در شش ماهه اول سال ۱۴۰۴ نرخ رشد اقتصادی در حدود صفر قرار گرفته که نشان از رکود اقتصادی همزمان از ناحیه عرضه (تولید) و تقاضا همراه با تورم بالا است.

پ: در طول چند دهه گذشته، همواره بخش قابل توجهی از بودجه دولت و کسری آن از ناحیه استقراض از نظام بانکی و چاپ پول صورت گرفته است. بدهی دولت به نظام بانکی در پایان سال ۱۴۰۲ برابر با ۱۱۹۶ هزار میلیارد تومان بوده است. این سیاست یکی از دلایل اصلی نرخ بالای رشد نقدینگی حدود ۲۵ الی ۳۰ درصد در دولت‌های مختلف بوده است. باید توجه داشت که از نظر مبانی علمی، اگر تامین کسری بودجه از طریق فروش اوراق قرضه دولتی (اوراق مشارکت) به مردم و اخذ مستقیم و غیرمستقیم مالیات صورت گیرد، نقدینگی

افزایش نخواهد یافت، چرا که از نقدینگی موجود در جامعه تامین می‌گردد.

ث: در چارچوب اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ در دولت دهم (دولت آقای احمدی نژاد)، درآمد این طرح عمدتاً از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی حاصل شد که از مردم در قبال فروش این حامل‌ها به قیمت بالاتر اخذ شده است. بنابراین چون درآمد طرح هدفمندی از نقدینگی موجود در جامعه (فروش حامل‌های انرژی به مردم) تامین گردیده و از همین محل نیز دوباره به صورت نقدی به خود مردم بازگردانده شد، فشاری به بودجه دولت وارد نکرد و به افزایش نقدینگی کشور نیز منجر نگردید.

در برخی تحلیل‌ها، افزایش نرخ تورم ناشی از تحریم‌های ایالات متحده که از اواخر سال ۱۳۹۰ علیه ایران اعمال شد، به اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها نسبت داده می‌شود که اشتباه است. اثر تورمی ناشی از اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ حدود ۹ درصد بوده و این اثر عمدتاً در نرخ تورم سال ۱۳۹۰ منعکس شده است.

ح: در دهه اخیر متغیرهای نرخ ارز و قیمت‌ها به شدت افزایش یافت (افزایش نرخ ارز از ۲۸۰۰ تومان در سال ۱۳۹۲ به بالای ۱۲۰ هزار تومان در ماه‌های اخیر) و در مقابل درآمد ملی، اشتغال و قدرت خرید مردم کاهش یافته است. در چنین وضعیتی، ضروری است که دولت با اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای مناسب، ضمن حمایت از واحدهای تولیدی و تسریع در اجرای طرح‌های عمرانی، رشد اقتصادی کشور را بهبود بخشد، نرخ بیکاری را کاهش دهد و همزمان قدرت خرید مردم را متناسب با این شرایط ترمیم کند. به این ترتیب سطح متغیرهای اقتصادی در مدل پنج بخشی مجدداً در تعادل مطلوب قرار خواهد گرفت و ناترازی‌های موجود در بازار کار، بازار ارز، بازار محصول، بازار پول و بخش تولید برطرف خواهد شد. تردیدی نیست که با افزایش درآمد و قدرت خرید مردم، رکود از ناحیه تقاضا برطرف شده، بازار نیز رونق می‌گیرد و نقدینگی از این مسیر به سمت تولید سوق پیدا خواهد کرد. همگام با افزایش تقاضا، بخش تولید مجدداً برای تامین این تقاضا فعال شده و لذا، اشتغال و درآمد خانوارها افزایش خواهد یافت. به این ترتیب اقتصاد تماماً از ناحیه تولید و از ناحیه تقاضا به سمت نرخ رشد ۸ درصدی مورد نیاز کشور حرکت

خواهد کرد. در این شرایط کلیه متغیرهای اقتصادی در طرف تقاضا و عرضه اقتصاد و نیز بازار ارز در تعادل متناسب و جدیدی قرار خواهد گرفت و با ثبات شرایط اقتصادی، تحریم‌ها نیز کم اثر خواهد شد.

البته استفاده همزمان از توسعه روابط اقتصادی با همسایگان، استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی مانند پیمان شانگهای، گروه بریکس، توسعه روابط با چین، روسیه و برخی از کشورهای اروپایی، آمریکای لاتین و آسیایی برای دستیابی به اهداف اقتصادی برنامه هفتم توسعه و رونق اقتصادی ضروری است.

ج: دولت برای واردات کالاهای اساسی کشاورزی، دارو، تجهیزات پزشکی و شیر خشک از سال ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۰۰ سالانه معادل ۱۸ میلیارد دلار با نرخ ۴۲۰۰ تومان، در سال ۱۴۰۲ معادل ۱۸ میلیارد دلار، در سال ۱۴۰۳ معادل ۱۵ میلیارد دلار و در سال جاری تا کنون ۸ میلیارد دلار با نرخ ۲۸۵۰۰ اختصاص داده است. این روند سبب شده که بخش قابل توجهی از مابه‌التفاوت نرخ ارز دولتی و بازار آزاد به صورت رانت نصیب عده‌ای خاص گردد و به هدف مورد نظر (که تامین نیاز مردم است) نرسد. در یک بررسی مشخص گردید که تعداد کالاهایی که مردم و فعالان اقتصادی خریداری می‌کنند نزدیک به ۶۵۰۰ قلم کالا است. در حال حاضر مردم بیشتر کالاهای و خدمات مورد نیاز خود را عملاً با نرخ ارز آزاد خریداری می‌کنند و عموم تولیدکنندگان نیز برای خرید مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تولید خود با همین شرایط مواجه هستند. دولت با هزینه‌گزار و تخصیص ارز دولتی، از ۶۵۰۰ قلم کالا فقط حدود ۱۱ قلم کالای اساسی را با قیمت یارانه‌ای در اختیار مردم قرار می‌دهد. این سیاست دولت که بارها تجربه شده است علاوه بر ایجاد رانت و مفاسد توزیع این کالاها، عملاً در زندگی مردم تاثیر معنی‌داری ندارد. اجرای سیاست "نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده" می‌تواند سبب حل مشکل ناترازی موجود در بازار ارز و حذف رانت‌های بادآورده شود. اینکار، ضمن متعادل کردن عرضه و تقاضای ارز در بازار، درآمد مزاد را نصیب دولت می‌کند که می‌تواند به اجرای طرح‌های عمرانی، حمایت از واحدهای تولیدی و پرداخت جبرانی به مردم (به صورت یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک) اختصاص دهد. باید بدانیم که افزایش نرخ ارز در چند ماهه اخیر، در

نهایت به طور مستقیم یا غیر مستقیم از جیب آحاد مردم ایران پرداخت شده و عملاً قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داده است.

در شرایط فعلی، حل مشکل ناترازی ارزی و حامل های انرژی، درآمدی مازادی را نصیب دولت می کند که می تواند صرف تسریع در اجرای طرح های عمرانی، حمایت از واحدهای تولیدی و پرداخت جبرانی (به صورت یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک) به مردم شود.

چ: هدف از وضع تعرفه، حمایت از تولیدات داخلی است. از آنجایی که افزایش در نرخ ارز، قیمت کالاهای وارداتی را افزایش می دهد، می توان در شرایط جدید، نسبت به اصلاح و کاهش تعرفه ها بخصوص برای ورود خودرو اقدام کرد. باید توجه داشت که یکسان سازی نرخ ارز، ورود و خروج کالای قاچاق را کاهش خواهد داد و همانند یک دیوار تعرفه ای طبیعی عمل می کند، بدون اینکه نیاز به دخالت دولت باشد.

۴-۲- اصلاحات راهبردی در اقتصاد ملی و نظام

اداری و بودجه:

با توجه به دلایل و مبانی علمی، تجارب کشورهای توسعه یافته، تجربه دولت های دهم و سیزدهم و نیاز کشور، انتظار می رود که دولت و مجلس با حمایت مردم، رسانه ها و سایر دست اندرکاران کشوری برای رفع ناترازی های موجود در اقتصاد که مانع توسعه کشور شده با شجاعت و تدبیر و در یک برنامه تدریجی ۵ ساله به گونه ای اقدام نمایند که نقاط ضعف اقتصاد کشور را به نقاط قوت و تهدیدهای موجود اقتصادی را به فرصت تبدیل نمایند. از این رو طرح پیشنهاداتی به قرار زیر ارائه می گردد:

– یکسان سازی نرخ ارز در چارچوب نظام نرخ ارز

شناور مدیریت شده در زمان بندی دو ساله: به این ترتیب نرخ ارز در بازار با مدیریت بانک مرکزی بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می شود و بانک مرکزی در چارچوب وظایف خود بر آن نظارت و مدیریت خواهد نمود.

– حذف تدریجی یارانه قیمت دولتی کالاهای اساسی

طی سه سال: با اجرای این طرح، به جز برخی اقلام خاص دارویی، به هیچ کالای دیگری یارانه به صورت قیمت گذاری دولتی تعلق نخواهد گرفت. با حذف قیمت دولتی کالاها، پرداخت جبرانی به صورت کالابریگ الکترونیک به خانوارهای

با درآمد کم و متوسط به مدت سه سال تعلق می گیرد تا قدرت خرید آنها تقویت شود.

– متعادل سازی قیمت حامل های انرژی در زمان –

بندی پنج ساله: قیمت حامل های انرژی (با اولویت بنزین و گازوئیل) در یک زمان بندی پنج ساله به ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج فارس (سال اول ۱۰ درصد و چهار سال بعد هر ساله ۲۰ درصد) مطابق با قانون هدفمند سازی یارانه ها افزایش خواهد یافت. سهمیه ۶۰ لیتر بنزین با قیمت یارانه ای (با تعدیل سالانه) در طول اجرای طرح حفظ خواهد شد.

– درآمد حاصل از اجرای طرح: شامل درآمدهای حاصل

از یکسان سازی نرخ ارز، آزاد سازی قیمت کالاهای اساسی (به جز برخی اقلام خاص دارویی)، متعادل سازی قیمت حامل های انرژی در یک زمان بندی پنج ساله به قرار زیر توزیع می گردد: الف: پرداخت یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک به طبقات درآمدی متوسط و پایین جامعه بصورت پلکانی.

ب: تسریع در اجرای طرح های عمرانی مهم و راهبردی کشور.

پ: حمایت از واحدهای تولیدی.

ت: سایر موارد مندرج در این طرح،

نکته ۱: با اجرای این طرح عملاً تخصیص و یا فروش ارز، کالاهای اساسی و حامل های انرژی با نرخ دولتی در اقتصاد ایران بتدریج طی پنج سال حذف خواهد شد.

نکته ۲: بر اساس میانگین وزنی نرخ های ارز موجود در بازارهای مختلف (مبادله ای، دولتی و آزاد)، استنباط این است که پس از اجرای این طرح، متغیر نرخ ارز به تعادل نسبتاً پایدار (در چارچوب و هماهنگ با سایر متغیرهای کلان اقتصادی) و کمتر از نرخ بازار آزاد خواهد رسید.

نکته ۳: به لحاظ تشکیلات اداری، سازمان اجرایی پرداخت های جبرانی و سایر موارد مندرج در طرح، سازمان هدفمندسازی یارانه ها زیر نظر سازمان برنامه و بودجه کشور و در چارچوب بودجه سالانه خواهد بود.

– نحوه تخصیص درآمد طرح: معادل ۵۰ درصد از کل

درآمد حاصل از اجرای این طرح به خانوارها (یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک)، معادل ۳۰ درصد درآمدهای حاصله به تکمیل طرح های عمرانی مهم و راهبردی کشور و معادل ۲۰

– ضوابط مورد نیاز جهت حمایت از خانوارها و

واحدهای تولیدی:

دولت برای حمایت از خانواده‌ها و واحدهای تولیدی شروط و ضوابطی را در نظر خواهد گرفت تا افراد حقیقی و حقوقی مشمول طرح، سیاست‌های مورد نظر دولت را رعایت کنند. به عنوان مثال، ثبت‌نام در سامانه جامع اطلاعات درآمد خانوارها، داشتن پوشش بیمه تکمیلی، الزام به ثبت‌نام فرزندان در مقاطع تحصیلی تا دیپلم، داشتن کارت سلامت و مواردی از این قبیل شرط دریافت یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک باشد. همچنین آن دسته از واحدهای تولیدی که مشمول حمایت تسهیلات تلفیقی (با نرخ سود و کارمزد ۱۰ درصد) قرار می‌گیرند ملزم به رعایت نشان استاندارد و کیفیت کالا، رعایت شاخص‌های زیست محیطی و سایر ضوابط مورد نظر دولت خواهند بود.

– ایجاد سامانه جامع اطلاعات: در اجرای این طرح،

سامانه جامع اطلاعات واحدهای تولیدی و خانوارها ایجاد خواهد شد و کلیه واحدهای تولیدی و خانوارها با ارائه مدارک مثبت ملزم به ثبت اطلاعات خود در این سامانه خواهند بود. این سامانه با مدیریت سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها و همکاری سازمان ثبت احوال راه‌اندازی خواهد شد.

– حذف چهار صفر از پول ملی: با توجه به افزایش

شدید قیمت‌ها و نرخ ارز در دهه اخیر، همزمان با اجرای این طرح، حذف چهار صفر از پول ملی به اجرا گذاشته خواهد شد.

– گسترش پوشش بیمه پایه و تکمیلی: در چارچوب

اجرای این طرح، دولت باید پوشش‌های بیمه پایه و تکمیلی را توسعه داده تا خانوارها متحمل هزینه‌های گران دارو و درمان نشوند.

– سهمیه‌بندی بنزین و گازوئیل: توزیع بنزین و

گازوئیل همزمان با اجرای طرح، با کارت هوشمند سوخت صورت می‌گیرد و سهمیه بنزین یارانه ای هر خودرو ۶۰ لیتر در ماه حفظ خواهد شد. سهمیه گازوئیل وسایل نقلیه حمل بار و مسافر بر اساس نظرات کارشناسی مبتنی بر پیمایش و سامانه GPS تعیین و اختصاص خواهد یافت.

– گسترش پیمان‌های پولی دوجانبه: ایجاد سازوکار

رابطه تجاری با سایر کشورها بر مبنای پرداخت با ارز ملی دو کشور و بر اساس انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه.

درصد درآمدها به حمایت از تولیدکنندگان و واحدهای تولیدی (به صورت تسهیلات تلفیقی بانکی) اختصاص می‌یابد.

– نحوه پرداخت به خانوارها: نحوه پرداخت جبرانی به

مردم به صورت پلکانی خواهد بود و دهک با کمترین درآمد، بالاترین دریافت را خواهد داشت. بدین ترتیب، سهم هر دهک از دهک‌های اول تا سوم ۱۶ درصد، دهک‌های چهارم و پنجم ۱۴ درصد و دهک‌های ششم و هفتم ۱۲ درصد از کل درآمد طرح اختصاص یافته به خانوارها خواهد بود. سه دهک بالای درآمدی مشمول دریافت یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک نمی‌شوند.

– نحوه حمایت از تولیدکنندگان داخلی: بیست درصد

از کل درآمد این طرح، برای حمایت از تولیدکنندگان واحدهای کوچک و متوسط تولیدی در بخش‌های مختلف اقتصادی به صورت تسهیلات تلفیقی اختصاص می‌یابد. در تسهیلات تلفیقی معادل پولی که دولت به عنوان سهم حمایت از بخش تولید از محل درآمد اجرای طرح اختصاص می‌دهد، بانک‌ها نیز از منابع داخلی خود تخصیص خواهند داد. در این تسهیلات تلفیقی، نرخ سود و کارمزد تسهیلات سهم دولت معادل ۲ درصد و نرخ سود و کارمزد تسهیلات سهم بانک‌ها معادل ۱۸ درصد در نظر گرفته شده است. به این ترتیب تسهیلات تلفیقی با نرخ سود و کارمزد ۱۰ درصد در اختیار تولیدکنندگان صنعتی و کشاورزی (و خدماتی) قرار می‌گیرد. دوره بازپرداخت این تسهیلات ۱۰ ساله و با یک سال تنفس خواهد بود. به تدریج که اقساط تسهیلات اعطایی پرداخت می‌شود، سهم دولت با ۲ درصد سود و کارمزد بازگردانده خواهد شد که مجدداً برای پرداخت تسهیلات به تولیدکنندگان با همین سازوکار استفاده خواهد شد. به این ترتیب منابع پایداری برای حمایت بلندمدت از بخش تولید در سال‌های بعد در اختیار دولت قرار خواهد گرفت.

– نحوه تکمیل طرح‌های نیمه تمام عمرانی: معادل ۳۰

درصد از منابع حاصل از اجرای این سیاست به تکمیل آن دسته از طرح‌های عمرانی مهم و راهبردی اختصاص می‌یابد که در توسعه زیرساخت‌های کشور، ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص ملی بسیار تاثیر دارد. با تکمیل و توسعه طرح‌های عمرانی و زیرساخت‌های کشور، زمینه پشتیبانی و ترغیب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد فراهم می‌گردد.

– کاهش تعرفه‌های واردات خودرو های استاندارد با

مصرف بنزین پایین: افزایش نرخ ارز، قیمت خودروهای وارداتی را افزایش داده و همانند یک دیوار طبیعی تعرفه‌ای عمل کرده است. بنابراین دولت باید نسبت به اصلاح و کاهش تعرفه واردات خودروها به گونه‌ای اقدام نماید که سهمیه‌ای معادل ۲۰ درصد بازار خودرو به خودروهای وارداتی با استاندارد و کیفیت بالا اختصاص یابد. اینکار سبب ایجاد رقابت مثبت و بهبود کیفیت خودروهای تولید داخل و افزایش رفاه مردم خواهد شد.

– کوچک سازی حجم اداری دولت، ادغام دستگاه –

های اداری موازی و حذف ادارات مازاد: کوچک سازی حجم اداری دولت و دستگاه های اجرایی در سطح ملی و استانی سبب کاهش هزینه‌های جاری دولت شده و کسری بودجه دولت را کاهش می دهد که در مهار تورم نیز موثر است.

– اجرای بودجه بندی عملیاتی: برنامه نویسی عملیاتی در برنامه‌های پنج‌ساله کشور، تعیین نقش و سهم شرکت‌ها و موسسات دولتی در تحقق اهداف اقتصادی دولت و عملیاتی کردن بودجه آنها.

– انجام تغییراتی در ترکیب دولت در بخش مدیریت

اقتصادی، زیربنایی، نظام بانکی و ارزی: برای بهبود وضع موجود، دور زدن تحریم‌های اقتصادی و انجام تحول اقتصادی در کشور، نیاز به تغییر وزرای ضعیف و ناکارآمد دولت و به-کارگیری وزیران توانمند و با تجربه و سابقه حداقل ده ساله در مدیریت رده‌های میانی و بالای قوه مجریه دارد. انجام کارهای بزرگ و اداره کشور نیازمند دولت قوی و وزرای مجرب و توانمند است.

۳-۴- سایر اقدامات مورد نیاز:

– تامین نقدینگی، بخشش جرایم، تقسیط بدهی بانکی، مالیاتی و تامین اجتماعی واحدهای تولیدی تعطیل و نیمه فعال که اغلب کوچک و مردمی‌اند و فعال شدن آنها مسیر میان‌بر برای جهش اقتصادی با مشارکت مردم است

– تشویق اولویت خرید کالاهای با کیفیت ایرانی توسط خانوارها، ادارات و موسسات دولتی

۳- تامین مواد اولیه واحدهای تولیدی توسط دولت برای

دو تا سه شیفت کاری

– ایجاد شرکت‌های زنجیره جمع آوری و بازررسانی تولیدات خانگی و روستایی

– مهارت افزایی کارگران، ارتقاء فناوری تولید و کنار گذاشتن فناوری‌های کم بازده و قدیمی

۶- تامین زمین و تسهیل اخذ مجوز به سرمایه‌گذاران مردمی و بخش خصوصی

– توسعه و تکمیل زنجیره افقی و عمودی صنایع، کشاورزی، نفت و پتروشیمی

– توسعه اقتصاد و تجارت مرزی، دریا پایه و سواحل

– تسهیل و توسعه گردشگری عمومی داخلی و خارجی، گردشگری سلامت، زیارتی و جذب دانشجویان خارجی برای تحصیل در دانشگاه‌های کشور

۵- زمان بندی مراحل مختلف اجرای طرح تحول اقتصادی

– با توجه به وجود مستندات کارشناسی و تجربیات مفید ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، سهمیه بندی سوخت، تشکیل سازمان هدفمندی یارانه‌ها در دولت دهم و سایر تجارب مرتبط با اجزای این طرح در دولت‌های مختلف، دولت حداکثر ظرف مدت سه ماه ملزم خواهد بود که مقدمات اجرای طرح را فراهم نماید. این مقدمات شامل؛ راه اندازی سامانه جامع اطلاعات خانوارها و واحدهای تولیدی، دریافت و بررسی مدارک خانوارها و تولیدکنندگان و سایر تمهیدات لازم است.

– سه دهک بالای درآمدی از سال اول اجرای طرح از دریافت یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک حذف خواهند شد.

– هر سال معادل یک سوم از یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک کلیه شاغلان دولتی و غیردولتی کم و معادل آن به حقوق و دستمزد آنها اضافه می‌گردد به نحوی که در پایان سال سوم کلیه حقوق بگیران از شمول پرداخت جبرانی یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک حذف خواهند شد.

– در پایان سال اول، سهم درآمدی حمایت از واحدهای تولیدی و طرح‌های عمرانی این طرح، در قالب بودجه سالانه به بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سال بعد منتقل می‌گردد و در چارچوب ضوابط بودجه تداوم خواهد یافت (به عبارت دیگر در جداول منابع و هزینه بودجه سالانه ادغام می‌گردد).

– حداکثر در پایان سال پنجم اجرای طرح، هرگونه پرداخت یارانه نقدی و کالابریگ الکترونیک به تمامی افراد جامعه قطع

می‌شود و فقط خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی، مشمولین بیمه بیکاری و موارد مشابه، مشمول کمک‌ها در قالب ضوابط بودجه سالانه کشور خواهند شد. به عبارت دیگر کل منابع طرح در چارچوب ضوابط بودجه در جداول منابع و هزینه بودجه سالانه ادغام می‌گردد و فقط بودجه سالانه در کشور اجرا می‌گردد و سازمان هدفمند سازی یارانه‌ها منحل خواهد شد.

- بعد از سال اول اجرای این طرح، حذف چهار صفر از پول ملی به اجرا گذاشته می‌شود.

- در سال اول و همزمان با اجرای این طرح، تعرفه واردات خودرو و اصلاح و کاهش خواهد یافت.

- قیمت حامل‌های انرژی (با محوریت بنزین، گازوئیل و گاز) در یک زمان بندی سه ساله به حداقل ۹۰ درصد (سال اول ۴۰ درصد، سال دوم ۳۰ درصد و سال سوم ۲۰ درصد) قیمت فوب خلیج فارس مطابق با قانون هدفمند سازی یارانه‌ها افزایش خواهد یافت.

- سهمیه سوخت یارانه‌ای وسایل نقلیه عمومی حمل بار و مسافر از سال چهارم و سهمیه بنزین خودروهای سواری از سال پنجم اجرای طرح به طور کامل حذف خواهد شد. با آزاد سازی کامل قیمت حامل‌های انرژی مطابق فوب خلیج فارس، سامانه کارت سهمیه بندی سوخت نیز حذف خواهد شد.

- بعد از سال پنجم، توزیع هرگونه کالا با قیمت دولتی و نرخ ارز ترجیحی و دولتی ممنوع خواهد بود و سازمان‌های مختلف در چارچوب حقوق و دستمزد حمایت‌های خود را اعمال خواهند نمود.

- در زمان بندی سه سال اول اجرای طرح، یکسان سازی حقوق و دستمزد و عدالت در پرداخت‌ها میان مشاغل مشابه در کلیه دستگاه‌های دریافت کننده بودجه دولت به گونه‌ای اجرا خواهد شد که حقوق و دستمزد پایین به حقوق و دستمزد بالاتر (با حفظ افزایش سالانه آن) ارتقاء یابد.

۶- آثار و پیامدهای مورد انتظار اجرای طرح:

اجرا می‌تواند منشا آثار اقتصادی مثبتی برای کشور و رفع ناترازی‌های موجود در اقتصاد ملی گردد.

- ایجاد آرامش در جامعه و کاهش آثار روانی ناشی از تورم، سختی معیشت و ناترازی‌ها در اقتصاد.

- حذف بازار چند نرخ ارز، تثبیت و به تعادل رسیدن نرخ ارز پائین تر از نرخ آزاد فعلی.

- افزایش تاب آوری اقتصاد در برابر تکانه‌ها و تحریم‌های خارجی.

- مهار و کاهش نرخ تورم به زیر ۱۰ درصد و ثبات در قیمت‌ها.

- افزایش قدرت خرید خانوارها.

- تسریع در تکمیل هزاران طرح‌های عمرانی که به دلیل کمبود بودجه سال‌های زیادی است که ناتمام مانده‌اند.

- بازگشت کامل ۴۰ هزار واحد تولیدی راکد و نیمه فعال به چرخه فعالیت کامل.

- جلوگیری از رکود اقتصادی، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی کشور و افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به ۸ درصد هدف برنامه توسعه هفتم.

- افزایش ضریب امنیت ملی و افزایش سرمایه‌های اجتماعی نظام.

- کاهش رانت‌ها و مفساد اقتصادی ناشی از قیمت دولتی ارز و کالا و سالم سازی نظام توزیع کالا در بازار.

- حذف قاچاق بنزین و گازوئیل و افزایش منابع ارزی ناشی از آن.

- بهبود توزیع درآمد در جامعه و ارتقاء شاخص عدالت اجتماعی و اقتصادی در کشور. انتظار می‌رود که بعد از اجرای این طرح، ضریب جینی به حدود ۳۵ صدم واحد (هدف برنامه هفتم توسعه) برسد.

- صرفه جویی در مصرف حامل‌های انرژی و بهبود مدیریت آن در کشور.

- افزایش ذخایر ارزی کشور به میزان ۱۵ میلیارد دلار در سال؛ معادل ۱۰ میلیارد دلار از محل کاهش واردات کالا و سوخت، قاچاق سوخت و کالاهای یارانه‌ای و نیز معادل ۵ میلیارد دلار از طریق افزایش صادرات کالا.

- افزایش کیفیت تولیدات داخلی، بهبود بهره‌وری واحدهای تولیدی کوچک و متوسط و هدایت آن‌ها به سمت تولید کالاهای دارای مزیت‌های نسبی، رقابتی و صادراتی.

- حفظ و حمایت از اشتغال موجود در کشور و ایجاد ظرفیت جدید اشتغال بخصوص فارغ التحصیلان دانشگاهی.

- کاهش تراز عملیاتی منفی بودجه سالانه دولت (کاهش کسری بودجه).

۷- نتیجه‌گیری

مرور وضعیت موجود اقتصاد کشور و تجربه سیاست‌گذاری در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از چالش‌های کنونی، نه صرفاً حاصل فشارهای بیرونی، بلکه نتیجه ضعف‌های ساختاری در شیوه حکمرانی و نحوه اداره اقتصاد است. اهدافی که انقلاب اسلامی برای تحقق عدالت اجتماعی، کارآمدی اقتصادی و مردم‌محوری ترسیم کرده بود، در بسیاری از موارد به دلیل ناپایداری سیاست‌ها، تصمیم‌گیری‌های مقطعی و تأخیر در اصلاحات نهادی، به‌طور کامل محقق نشده‌اند. این شکاف میان آرمان و عمل، امروز خود را در قالب ناترازی‌های کلان، تورم مزمن، کاهش قدرت خرید و تضعیف اعتماد عمومی نشان می‌دهد.

تجربه دولت‌های مختلف نیز بیانگر آن است که اجرای اصلاحات اقتصادی بدون اجماع سیاسی، اقناع افکار عمومی و طراحی سازوکارهای جبرانی، نه تنها به نتایج پایدار منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند هزینه‌های اجتماعی و سیاسی قابل توجهی ایجاد کند. نمونه‌هایی مانند ساماندهی زنجیره گندم، آرد و نان نشان می‌دهد که هرچند اصلاحات در برخی مقاطع ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده‌اند، اما فقدان نگاه سیستمی و نبود هماهنگی نهادی، اثربخشی این سیاست‌ها را محدود کرده است. از این رو، تجربه‌های پیشین بیش از آنکه الگویی برای تکرار باشند، منبعی برای درس‌آموزی در طراحی اصلاحات آینده‌اند.

بر اساس مبانی نظری اقتصاد و واقعیت‌های اجرایی کشور، اصلاحات اقتصادی و اداری زمانی می‌توانند به بهبود پایدار منجر شوند که تدریجی، مرحله‌بندی‌شده و مبتنی بر اصلاح نهادها باشند. تمرکز صرف بر اصلاح قیمت‌ها یا شاخص‌های اسمی، بدون توجه به ساختار بودجه، نظام اداری، شفافیت اطلاعات و پاسخ‌گویی تصمیم‌گیران، راهگشا نخواهد بود. در مقابل، اصلاح حکمرانی اقتصادی با محوریت ثبات سیاستی، انضباط مالی، هدفمندی حمایت‌ها و تقویت سرمایه اجتماعی، می‌تواند مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی را هموارتر سازد.

در نهایت، پیام اصلی این پژوهش آن است که عبور از وضعیت موجود، بیش از هر چیز، نیازمند تغییر در روش حکمرانی است. ادامه سیاست‌های کنونی، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتری بر کشور تحمیل خواهد کرد، در حالی که اجرای اصلاحات راهبردی، هرچند دشوار و پرهزینه در کوتاه‌مدت، می‌تواند زمینه‌ساز رشد پایدار، بهبود معیشت مردم و افزایش کارآمدی نظام اداری در بلندمدت باشد. تصمیم‌گیری امروز درباره اصلاحات، در واقع انتخاب میان تداوم وضع موجود یا حرکت آگاهانه به سوی تحقق عملی اهداف انقلاب اسلامی است.

منابع

گزارش سالانه برنامه توسعه سازمان ملل متحد UNDP در سال ۲۰۲۲
تولید ناخالص داخلی بر اساس قدرت برابری خرید، بانک جهانی، ۲۰۲۲
بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، بانک مرکزی
نشریه شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور، مرکز آمار ایران، آذرماه ۱۴۰۳
نشریه نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی، شماره ۱۲۰، مهرماه ۱۴۰۴
شاخص قیمت مصرف‌کننده کل خانوارهای کشور، مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴
گفتگوی حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد با شبکه خبر صدا و سیما، شهریور ۱۴۰۳
شاخص‌های توسعه جهانی، داده‌ها و آمار، بانک جهانی، ۲۰۲۴
برنامه هفتم توسعه، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۴۰۲
قانون بودجه عمومی دولت، سال‌های مختلف
ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، سال‌های مختلف
ترازنامه هیدروکربوری، وزارت نفت، سال‌های مختلف
شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری (شاخص تورم) ۱۴۰۱-۱۳۱۵، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



Economic transformation plan: An approach to help Iran escape its economic problems

Sadegh Khalilian^{1*}, Seyed Habibollah Mousavi¹, Hamed Najafi Alamdarloo¹, Mohammad Hassan Vakilpour¹, Fatemeh Karami¹

1. Department of Agricultural Economics, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University (T.M.U.), Tehran, Iran.

Article information

Keywords:

Economic governance,
Structural imbalances,
Targeted subsidies,
Exchange rate reforms,
Social justice



Sadegh Khalilian (Corresponding author)
Email: khalil_s@modares.ac.ir

Abstract

The realization of the Islamic Revolution's goals in the domains of social justice, economic efficiency, and citizen-centered governance depends, above all, on the quality of governance and the approach to economic policymaking. The experience of past decades indicates that, despite the articulation of these objectives in the Constitution and upstream national documents, delays in implementing structural reforms and an overreliance on short-term policies have led to the accumulation of macroeconomic imbalances and heightened the vulnerability of the national economy. Adopting an analytical approach, this study examines the current state of economic governance, reviews government experiences in areas such as subsidy, energy, and foreign exchange policies, and explains the consequences of postponing or implementing economic reforms. The findings reveal that implementing reforms without institutional consensus, social preparation, and policy coordination not only fails to achieve sustainable improvements in livelihoods but also imposes significant economic and social costs. The overall conclusion of this study is that overcoming the current situation requires a fundamental shift in the mode of economic governance - moving from ad-hoc decision-making to institutional reforms - and designing a phased roadmap for economic and administrative reforms. Although such reforms may entail short-term costs, in the long run, they can create the capacity for economic stability, improve people's livelihoods, and bring governance performance closer to the ideals of the Islamic Revolution.